

Analysis of The Impact of Modernization on Physical Changes in Tabriz Housing, With Emphasis on Lifestyle Changes in the Qajar and Pahlavi Periods

Abstract

The swift processes of modernization during the transition from the Qajar to the Pahlavi era fundamentally reshaped Iranian lifestyles and left discernible imprints on the morphology of domestic architecture. Despite extensive studies on typological evolutions of historic houses, systematic research into how lifestyle transformations directly influenced the physical fabric of residential buildings in Tabriz remains scarce. This study addresses that gap by examining the dialectical relationship between evolving social patterns and architectural form in four emblematic houses -two Qajar and two Pahlavi- in the city of Tabriz. Employing a mixed-methods framework that integrates interpretative-historical analysis with targeted case studies, the research draws on archival sources, field surveys, measured drawings, and period photographs. Historical texts and official documents were scrutinized to identify key lifestyle components shaped by early modernization -ranging from shifting family structures and social customs to technological adoption and urban densification. Concurrently, on-site observations and architectural records provided quantitative metrics for each house's spatial configuration. Physical attributes were systematically quantified, including total lot area, proportions of open, semi-open, and enclosed spaces; room counts and designated functions; the hierarchy and sequencing of entry zones; the division between interior and exterior realms; façade ornamentation; and patterns of furnishings. These variables formed the basis for a comparative matrix that correlates lifestyle indicators with architectural responses across the two historical periods. The analysis reveals that Pahlavi-era houses exhibit significantly reduced footprints, allocating a larger share of their plot area to enclosed built volume. Expansive courtyards and traditional verandas were either downsized or eliminated to accommodate denser urban fabrics. Internally, formerly flexible, multi-purpose chambers gave way to discrete, single-function rooms furnished with rigid, Western-style seating and tables. The intricate, multi-stage entry sequences characteristic of Qajar residences -with separate portals, vestibules, and privacy screens- were replaced by streamlined, single-door access, reflecting a shift toward more open, less hierarchical social interactions. Moreover, the widespread incorporation of modern construction materials and infrastructural systems -such as indoor plumbing and electric lighting- precipitated profound reconfigurations of service spaces. Ancillary functions like kitchens, baths, and sanitary facilities

Received: 03 Jan 2025

Received in revised form: 13 Feb 2025

Accepted: 16 Mar 2025

Reza Ghadrddan Gharamaleki¹  (Corresponding Author)

PhD in Islamic Architecture, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

E-mail: r.ghadrddan@tabriziau.ac.ir

Farzin Haghparsat² 

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

E-mail: f.haghparsat@tabriziau.ac.ir

Parisa Hashempour³ 

Professor, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran. E-mail: p.hashempour@tabriziau.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.386906.673038>

were integrated within the main building envelope rather than housed in detached or peripheral structures. These technological infusions not only enhanced domestic convenience and hygiene but also catalyzed new spatial layouts that aligned with evolving notions of privacy, gender roles, and leisure. By tracing how lifestyle vectors -social customs, family dynamics, technological uptake, and urban pressures- manifest materially in residential form, this research underscores the reciprocal interplay between culture and the built environment. The findings demonstrate that architectural adaptations in Tabriz did not occur in isolation but were deeply intertwined with broader socio-political agendas of nation-building and Westernization. Recognizing these interdependencies is crucial for heritage conservation strategies, as it illuminates the intangible cultural drivers embedded within physical heritage. Ultimately, this study contributes a robust methodological model for exploring lifestyle-architecture linkages in other historic contexts undergoing swift societal change.

Keywords: housing, lifestyle, modernization, Pahlavi houses, Qajar houses, Tabriz architecture

Citation: Ghadrddan Gharamaleki, Reza; Haghparsat, Farzin, & Hashempour, Parisa (2025). Analysis of the impact of modernization on physical changes in Tabriz housing, with emphasis on lifestyle changes in the Qajar and Pahlavi periods. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 30(1), 83-98. (in Persian)



Authors retain the copyright and the full publishing.

Publisher: University of Tehran Press.

تحلیل تأثیر مدرنیزاسیون بر تغییرات کالبدی مسکن تبریز با تأکید بر تحولات سبک زندگی در دوره قاجار و پهلوی

چکیده

تحولات شتابان مدرنیزاسیون در گذار از دوره قاجار به پهلوی، سبک زندگی ایرانیان را متحول ساخت و بازتاب کالبدی آن را در معماری مسکن بر جای گذاشت. با هدف پرکردن خلأ مطالعاتی پیرامون تأثیر تحول سبک زندگی بر کالبد مسکونی در دوره گذار قاجار/پهلوی، این پژوهش با روش ترکیبی تفسیری-تاریخی و مطالعه موردی چهار خانه شاخص (دو نمونه قاجاری و دو نمونه پهلوی) در

شهر تبریز، نقش مؤلفه‌های سبک زندگی در تغییرات فضاهای مسکونی

را بررسی می‌کند. بدین منظور داده‌های تاریخی همراه برداشت میدانی، نقشه‌ها و عکس‌های مستند، ویژگی‌های کالبدی نظیر مساحت کل و نسبت فضاهای باز/نیمه‌باز/بسته، تعداد و کارکرد اتاق‌ها، سیستم ورودی، تقسیم‌بندی اندرونی-بیرونی، تزئینات نما و الگوی مبلمان تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد خانه‌های دوره پهلوی در مقایسه با دوره قاجار با ابعادی کوچک‌تر، نسبت بیشتری از مساحت را به حجم ساختمان اختصاص داده و ایوان و حیاط‌های بزرگ را حذف کرده‌اند. فضاهای انعطاف‌پذیر چندعملکردی جای خود را به اتاق‌های اختصاصی و مبلمان صلب داد و سلسله‌مراتب ورودی ساده‌تر شد. افزون بر این، استفاده گسترده از مصالح نوین، سیستم‌های لوله‌کشی و روشنایی الکتریکی به تغییر تقسیم‌بندی داخلی خانه‌ها انجامید.

واژه‌های کلیدی: خانه پهلوی، خانه قاجاری، سبک زندگی، مدرنیزاسیون، معماری تبریز، معماری مسکونی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

رضا قدردان قراملکی (نویسنده مسئول): دکتری معماری اسلامی، گروه معماری و معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

E-mail: r.ghadrdan@tabriziau.ac.ir

فرزین حق پرست: استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

E-mail: f.haghparsat@tabriziau.ac.ir

پریسا هاشم‌پور: استاد گروه معماری و معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

E-mail: p.hashempour@tabriziau.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.386906.673038>

استناد: قدردان قراملکی، رضا؛ حق پرست، فرزین و هاشم‌پور، پریسا (۱۴۰۴)، تحلیل تأثیر مدرنیزاسیون بر تغییرات کالبدی مسکن تبریز با تأکید بر تحولات سبک زندگی در دوره قاجار و پهلوی. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۰(۱)، ۸۳-۹۸.

مقاله

مسکن به عنوان بستر وقوع زندگی روزمره، پیوندی ناگسستنی با هویت فردی و اجتماعی انسان دارد. این ارتباط فراتر از یک سازه فیزیکی، تجلی گاه ارزش‌ها، سنت‌ها و تحولات سبک زندگی است. اگرچه انسان خالق اولیه مسکن است و آن را متناسب با نیازهای زیستی و فرهنگی خود شکل می‌دهد، پژوهش‌ها نشان می‌دهد مسکن نیز به نوبه خود بر رفتارها، فرهنگ و سبک زندگی ساکنان تأثیر بازتابی دارد (ونتلینگ، ۱۳۹۲/۱۹۹۰، ۶). این رابطه دیالکتیک، معماری را هم زاده سبک زندگی و هم سازنده آن می‌سازد. روان‌شناسان نیز بر این باورند که کیفیت فضای مسکن بر روحیات انسان تأثیرات ماندگاری بر جای می‌گذارد (شولتز، ۱۳۸۴/۱۹۸۴، ۱۴۱)، به‌ویژه در دوران کودکی که جزئیات فضایی بر ذهن نقش می‌بندد. ایران به‌ویژه در دوران قاجار و پهلوی، شاهد دگرگونی‌های شتابان ناشی از مدرنیزاسیون بود که کالبد مسکن را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد. شهر تبریز به‌عنوان یکی از کانون‌های تجاری و فرهنگی ایران، با دارا بودن نمونه‌های ارزشمند معماری مسکونی، بستر مناسبی برای واکاوی این تحولات است. دوره انتقال از قاجار به پهلوی به دلیل همزمانی با جریان‌های مدرنیزاسیون، تغییرات بنیادین در سبک زندگی ایرانیان ایجاد کرد. حکومت پهلوی با شعار نوسازی، به تغییر ساختارهای سنتی از طریق اقداماتی چون کشف حجاب، توسعه شهری، و ترویج الگوهای غربی پرداخت (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۱۸۴). این تحولات چندلایه شامل: گسترش شهرنشینی و مهاجرت روستاییان، ظهور مشاغل جدید و طبقه متوسط شهری، دگرگونی ساختار خانواده از گسترده به هسته‌ای، پیشرفت‌های تکنولوژیک (برق، لوله‌کشی، مصالح نوین)، تغییر نقش زنان در جامعه و... می‌شد (کریمی، ۱۴۰۰/۲۰۱۳، ۱۱۲؛ جعفری و همکاران، ۱۳۷۱، ۴۶). با وجود پژوهش‌های پیشین درباره گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی و بررسی کالبدی آن‌ها، کم‌تر به نقش سبک زندگی به‌عنوان محرک اصلی تحولات کالبدی توجه شده است. این مقاله با تمرکز بر معماری شهر تبریز، درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست:

- مؤلفه‌های سبک زندگی در دوره انتقال قاجار به پهلوی چه تغییری کرد؟
 - این تغییرات سبک زندگی، چگونه در کالبد خانه‌ها متجلی شد؟
 - آیا می‌توان الگویی برای تبیین تأثیرپذیری معماری مسکن از سبک زندگی ارائه داد؟
- این تحقیق با رویکرد ترکیبی (کیفی-توصیفی) و با تمرکز بر تحلیل

محتوای اسنادی انجام شده است. در این رویکرد، داده‌های اسنادی (کتب، مقالات، اسناد میراث) با نگاه تفسیری-تاریخی بررسی می‌شوند و همزمان با مطالعات میدانی چهار خانه موردی، تحلیل محتوای کیفی بر مشاهدات کالبدی نیز اعمال می‌شود. فرآیند پژوهش در سه مرحله طراحی شده است: در مرحله اول، مطالعات اسنادی و نظری صورت گرفت که منجر به گردآوری داده‌های تاریخی از منابع کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات) مرتبط با سبک زندگی در دوره‌های قاجار و پهلوی و استخراج شاخص‌های تأثیرگذار سبک زندگی بر معماری مسکن از ادبیات موضوع گردید. در مرحله دوم که شامل مطالعات میدانی و نمونه‌گیری می‌باشد، چهار نمونه مطالعاتی (دو خانه قاجاری و دو خانه پهلوی) از شهر تبریز با روش نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای: قدمت و اصالت بنا (مستند در پرونده‌های میراث فرهنگی)، دسترسی به نقشه‌های معماری و اسناد سنجش‌پذیر، تنوع زمانی در هر دوره (اوایل/اواخر قاجار، پهلوی اول/دوم) و اشباع نظری، جمع‌آوری داده‌های کالبدی از طریق برداشت میدانی، نقشه‌های موجود، و عکس‌های مستند، انتخاب گردید. انتخاب نمونه‌های متاخر هر دوره (شریت‌اوغلی در قاجار؛ شهریار در پهلوی) با وجود تعلق تقویمی به یک دوره، تغییرات تدریجی سبک معماری را در گذار به دوره بعد بازتاب می‌دهد. تکرارپذیری یافته‌های کالبدی (کاهش مساحت، تحول در سلسله‌مراتب ورودی، تغییر الگوی پلان) در هر جفت نمونه، مبنای کفایت نمونه‌ها و تحقق اشباع نظری بود. در نهایت برای مرحله سوم و تحلیل داده‌ها، تطبیق داده‌های تاریخی (سبک زندگی) با یافته‌های کالبدی خانه‌ها در قالب تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت که با استفاده از جداول تطبیقی برای سنجش ارتباط بین متغیرهای مستقل (شاخص‌های سبک زندگی) و وابسته (ویژگی‌های معماری)، الگوهای تحول کالبدی بر اساس تلفیق یافته‌های اسنادی و میدانی استخراج گردیده است. تمامی فرآیند و مراحل تحقیق در نمودار ۱ به صورت خلاصه آورده شده است. پژوهش حاضر از حیث ارتباط سنجی نظام‌مند بین مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی سبک زندگی با کالبد معماری خانه‌های دو دوره قاجار و پهلوی حائز نوآوری است.

پیشینه پژوهش

سبک زندگی به‌عنوان یک مقوله بین‌رشته‌ای، در حیطه‌های گوناگون دانش مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. در حوزه روانشناسی، اندیشمندانی چون آلفرد آدلر (۱۹۵۶)، کارل گوستاو یونگ (۱۹۶۱)،

نمودار ۱. فرآیند و مراحل تحقیق (یافته‌های پژوهش)



آنسباخر (۱۹۶۷)، اروین یالوم (۱۹۸۰)، اریک فروم (۲۰۰۱)، ریچمن (۲۰۰۱)، و سارا احمد (۲۰۱۳) به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. از منظر روان‌شناختی، سبک زندگی بیانگر کلیت منحصر به فرد وجود هر فرد و فراگیرنده تمامی جنبه‌های عمومی حیات انسانی است. این مفهوم ماهیتی کاملاً فردی دارد و علی‌رغم وجود تشابهات میان الگوهای زندگی، هر شخص سبک زندگی متمایزی را تجربه می‌کند. در مقابل، جامعه‌شناسانی نظیر وبلن (۱۸۹۹)، وبر (۱۹۲۲)، اینگلهارت (۱۹۷۰)، بورديو (۱۹۷۹)، هابرماس (۱۹۸۱)، گیدنز (۱۹۹۱)، چانی (۱۹۹۶)، ساساتلی (۲۰۰۷)، ویلکینسون (۲۰۰۹)، کاترین حکیم (۲۰۱۱) و پورتوود (۲۰۱۳) نیز به ابعاد اجتماعی این مفهوم توجه نموده‌اند. جامعه‌شناسی با تشخیص نارسایی مفهوم «طبقه» در تبیین و تحلیل کنش‌های اجتماعی، به سمت مفهوم سبک زندگی و نظریه‌های مرتبط با آن گرایش یافت. بسیاری از نظریه‌پردازان با گرایش به نظریه الگوی مصرف و اوقات فراغت، مقوله مصرف را به عنوان محوری اساسی در تعریف و تشریح سبک زندگی برجسته ساختند. با فرارسیدن سده بیستم، علاوه بر وجه عینی و رفتارهای مصرفی، ابعاد ذهنی و نیازهای ثانویه انسانی از قبیل روابط بینافردی، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها نیز وارد عرصه تحلیل شد. نقطه افتراق اساسی بین دو دیدگاه روانشناسی و جامعه‌شناسی در این است که جامعه‌شناسان عمدتاً بر رفتار و سبک زندگی با تأکید بر وجه جمعی و جامعه‌محور آن تمرکز نموده و سبک زندگی را به مثابه یک هدف و غایت نگریسته‌اند؛ در حالی که در روانشناسی، سبک زندگی بیشتر به عنوان یک روش و مسیر برای دستیابی به اهداف فرضی دیگر در نظر گرفته می‌شود.

در باب معماری خانه‌های قاجار و پهلوی کتب و مقالات متعددی تدوین و نگاشته شده است. لکن جنبه مغفول، پرداختن به موضوع سبک زندگی و رابطه آن با معماری مسکن می‌باشد. با توجه به موضوع کم‌تر پرداخته شده پژوهش حاضر، پژوهش‌های معماری در موضوعات نزدیک‌تر به سبک زندگی بررسی می‌شوند. راپاپورت (۱۹۷۲) در کتاب انسان‌شناسی مسکن فصلی را به عوامل اجتماعی-فرهنگی و شکل خانه اختصاص داده است. ناری قمی و عباس‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن» فضای مهمان در خانه را از زاویه کالبدی-اجتماعی بررسی می‌کنند. حیدریان و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «شفافیت در معماری خانه‌های قاجاری شهر تبریز» بیان می‌کنند گشادگی و سبکی فضا در معماری این خانه‌ها به دلیل تکیه بر دانش و تجربه عظیم ساختمانی و با کاستن از ماده بنا، و به موازات آن، افزایش فضا-حیاط‌ها، ایوان‌ها، گشادگی‌ها، روزنه‌ها و نورگیرها-صورت گرفته است. طالبی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی‌های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم»، نوگرایی در معماری دوران پهلوی را ثمره مشترک جامعه، حکومت و معماران می‌دانند. حسن‌پور و سلطان‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله «عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه» ضمن بیان تشابه کلی در پیروی از جریانات بین‌المللی و جریانات متقابل آن در معماری دو کشور، گرایش‌های معماری معاصر در این دو کشور را به صورت عینی مطابق نمی‌یابند. حسنی و نوروز برازجانی (۱۳۹۷) در مقاله «الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه امروز، نمونه موردی: خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و

تهران» به این نتیجه می‌رسند که پیوند با محیط، شادی، آرامش و جدایی از زندگی روزمره در فضاهایی چون ایوان، زیرزمین، فضای سبز، هشتی و شاه‌نشین نمایان می‌شود. حق‌شناس و حناچی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران. موردپژوهی تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار» مداخلات دولت در نوسازی شهری را مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تغییر شکل شهرها می‌دانند. لیلایی مرنند و هاشم‌پور (۱۴۰۰) در مقاله «مطالعه تطبیقی تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی محدوده‌ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز» تشخیص کالبدی در گونه پهلوی اول را از لحاظ سیمانشناسی و موضوع‌شناسی نسبت به گونه قاجار کم‌تر می‌دانند.

همچنین شیخ اکبری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تأثیر سبک زندگی نوگرا بر چگونگی حریمیت در خانه‌های برون‌گرای دوره پهلوی اول شهر تهران»، غلامی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل مسکن طبقه متوسط دوره پهلوی دوم بر اساس دستور زبان شکل. مطالعه موردی محله نارمک شهرک اکباتان تهران»، عسگری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «سیر بالندگی و رشد فضای تهی در کالبدشناسی معماری خانه‌های تهران اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی»، حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تبیین مؤلفه‌های کالبدی معماری مسکونی از ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم شهر تهران» و عزیززاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تأثیر گذار از دوره سنت به دوره مدرن بر سلسله مراتب فضای ورودی خانه‌های مسکونی شهر سمنان» به بررسی مؤلفه‌هایی مشابه در مسکن پرداخته‌اند. محمدزاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل» علت ساخته شدن مطبخ در زیرزمین خانه‌ها را بحث دور ماندن زنان از دید نامحرمان مطرح می‌کند. موسوی‌نسب و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تبیین و سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر نظام پنهان فضایی در خانه‌های اواخر قاجار و اوایل پهلوی در بهبهان» با پرسش از ساکنان خانه‌ها، اقتضائات معیشتی و فرهنگی را مؤثر بر نظام فضایی خانه‌های مورد مطالعه می‌داند. یونسی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مقاله «بازتاب تحولات سبک زندگی در معماری خانه‌های طبقات شغلی شرکت شهرهای نفتی ایران قبل از دهه پنجاه، نمونه موردی: شرکت شهر آبادان» گراف‌های توجیهی حاصل از نرم‌افزار ای‌گراف را برای شناسایی کالبدی نمونه‌هایی از خانه‌های سه طبقه شغلی متفاوت در شرکت شهر آبادان، تحلیل کرده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

سبک زندگی به عنوان مفهومی شناخته شده در سطح بین‌المللی قابلیت کنکاش و مطالعه از زوایای مختلفی را دارد. این مفهوم با زندگی مردم و ابعاد مختلف آن، هم در سطح آکادمیک و هم از دیدگاه دینی و نیز در سطح توده مردم ارتباط دارد. در رابطه با فردی یا جمعی بودن سبک زندگی، گروهی از صاحب‌نظران با دیدگاه متعادل خود، سبک زندگی را پدیده جمعی می‌دانند که در هر دو سطح فردی و جمعی مطالعه می‌شود (Bell and Hollows, 2005, p. 3). این دیدگاه در واقع حد وسط دو دیدگاه فردگرا و جمع‌گرا می‌باشد. تعاریف مختلفی برای سبک زندگی مطرح می‌باشد: سبک زندگی به منزله شیوه و مسیر زندگی که ارزش‌های یک فرد یا جامعه را بیان می‌کند؛ یک سبک زندگی، خود عمل در موقعیت‌های مختلف است. یک الگوی منظم از علایق و فعالیت‌ها است

روزمهره، معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده است و از این رو همچون تکیه گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند. انسان به منظور انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود، مجبور به ترک خانه است، اما با این وجود پس از انجام وظیفه اجتماعی، دوباره به خانه بر می‌گردد تا هویت فردی خود را بازیابد. از این رو «هویت فردی در سکونت خصوصی مستتر است» (شولتز، ۱۳۸۴/۱۹۸۴، ۱۴۱). اهمیت رابطه بین سبک زندگی و مسکن به این دلیل است که هر چند انسان در ابتدا خالق مسکن است و با توجه به سبک زندگی و نیازهای خود آن را می‌سازد، اما در ادامه خانه و مسکن نیز می‌تواند بر رفتار، فرهنگ و سبک زندگی وی تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر معماری هم زاده سبک زندگی و هم سازنده سبک زندگی است. بنابراین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی، نوع معماری مسکن و خانه است.

امروزه بسیاری از روان‌شناسان ادعان دارند که نوع معماری مسکن تأثیرات فراوانی بر روحیات، رفتار و سبک زندگی انسان‌ها دارد. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از حیات انسانی در فضای مسکونی سپری می‌گردد، نقش کیفیات فضایی خانه به عنوان عاملی تعیین کننده در شکل‌گیری تجربیات انسانی قابل تأمل است. در دوران کودکی، ویژگی‌های کالبدی، ترکیب فضایی، رنگ آمیزی و حتی جزئیات ظاهری خانه بر صفحه ذهن و روان انسان نقش می‌بندد. این تأثیرپذیری در دوران بزرگسالی نیز تداوم می‌یابد، چرا که اوقات حیاتی زندگی از جمله لحظات خلوت، تجربیات عاطفی، رویدادهای شادی بخش و دوران سختی معمولاً در فضای خانه روی می‌دهد. بنابراین، طراحی مسکن نه تنها به عنوان یک سرپناه، بلکه به عنوان بستری شکل‌دهنده به کیفیات روانی و هیجانی ساکنان، از اهمیتی بنیادین برخوردار است. هایدگر در رابطه با مسکن و خانه می‌گوید: «انسان با غم غربت به جهان پرتاب شد و به دنبال پیدا کردن خانه‌ای است که آن را مأمن خویش قرار دهد» (شصتی و فلامکی، ۱۳۹۳، ۱۱۸). با این نگاه، خانه تنها مکانی برای آرمیدن نیست؛ بلکه علاوه بر آن، دارای بار معنایی نهفته در خود می‌باشد. با گذر زمان و رسیدن دوران مدرن، تنوع در انتخاب سبک زندگی و مسکن، تکیه بر ارزش‌های سبک زندگی جهت معماری خانه برای هریک از اقشار اجتماعی کمک کننده است. برای مثال در حالی که خانواده‌هایی که فرزندان شان مستقل شده اند، در جستجوی

که یکتا و منحصر به فرد است (Richman, 2001, p. 420). یا سبک زندگی به منزله رفتارهای عادی و روزمره افراد که در مسایلی از جمله لباس پوشیدن، خورد و خوراک، نحوه تعامل با دیگران، شکل و ساختار فضایی مسکن و محیط‌های زندگی و... خود را نشان می‌دهد. سبک زندگی عمدتاً متناسب با شیوه‌ای که جامعه، اوقات خود را برنامه‌ریزی می‌کند، مشخص و تعریف می‌شود؛ که متعاقباً در رابطه متقابل با مسکن و ساختار فضایی آن سازمان یافته است (ونتلینگ، ۱۳۹۲/۱۹۹۰، ۶). «سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد؛ چون نه فقط نیازهای او را تأمین می‌کنند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازند» (Giddens, 1995, p. 81). بر اساس این تعریف می‌توان سبک زندگی را روایت گر هویت افراد در دوره مدرنیته در نظر گرفت که خود به دلیل افول ارزش‌ها و سنت‌های هویت‌ساز گذشته و همچنین اهمیت یافتن خود در زندگی روزمره است (Wilska and Pe-drozo, 2007, p. 345). سبک‌های زندگی الگوهایی از کنش هستند که باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شوند (Chaney, 1996, p. 4)؛ پس سبک زندگی دارای کارکرد هویت‌بخشی نیز می‌باشد.

به منظور استخراج شاخص‌های شناخته‌شده سبک زندگی، در گام نخست به مرور آثار بنیادینی چون آدلر (Adler, 1958)، روکچ (Rokeach, 1973)، کوکرهم (Cockerham, 2007)، گالنتر (Galanter, 2014) و همچنین پژوهشگران داخلی مانند کاویانی ارانی (۱۳۸۸)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۷)، و گزارش‌های رسمی وزارت بهداشت پرداخته شد. با وجود برخی تفاوت‌ها مبنی بر زمینه فرهنگی و اجتماعی، اما هم‌پوشانی قابل توجهی میان مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی در منابع مورد مطالعه دیده می‌شود. در جدول ۱، جمع‌بندی شاخص‌های شناخته‌شده سبک زندگی بر اساس مهم‌ترین منابع علمی ارائه گردیده است. این شاخص‌ها هر کدام به منزله مسیری جزئی از مسیر کلی زندگی افراد محسوب می‌شوند.

سبک زندگی و مسکن

مسکن مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است و پیوندهای آن با فردیت و زندگی روزمره غیر قابل انکار است. زندگی

جدول ۱. شاخص‌های سبک زندگی (یافته‌های پژوهش)

شاخص	توضیح	منابع
۱ فعالیت‌های فیزیکی	میزان و کیفیت تحرک روزانه، ورزش یا فعالیت بدنی منظم	کاویانی ارانی (۱۳۸۸)؛ Cockerham (2007)
۲ تغذیه و عادات غذایی	نوع و کیفیت خوراک، نظم وعده‌ها، ارزش غذایی، عادات غلط	وزارت بهداشت؛ Rokeach (1973)
۳ کیفیت خواب و استراحت	ساعات و الگوی خواب، استراحت و تأثیر بر سلامت جسمی-روحي	کاویانی ارانی (۱۳۸۸)؛ Adler (1958)
۴ اوقات فراغت و سرگرمی	نحوه گذران اوقات فراغت، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی یا هنری، امنیت روانی این فعالیت‌ها	فراهانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ Cockerham (2007)
۵ روابط اجتماعی	کیفیت ارتباطات با دوستان، گروه‌های اجتماعی و...	Galanter (2014)؛ کاویانی ارانی (۱۳۸۸)
۶ روابط خانوادگی	میزان انسجام، حمایت عاطفی و کیفیت تعاملات درون خانواده	کاویانی ارانی (۱۳۸۸)؛ وزارت بهداشت
۷ سلامت روان، رضایت از زندگی	احساس شادکامی، کنترل استرس و توانایی مقابله با چالش‌ها	Cockerham (2007)؛ فراهانی (۱۳۹۷)
۸ معنویت و ارزش‌ها	باورهای دینی، اعمال معنوی و نقش ارزش‌ها در انتخاب‌ها و رفتار	کاویانی ارانی (۱۳۸۸)؛ Rokeach (1973)
۹ مدیریت استرس و ایمنی	توانمندی در کاهش اثرات استرس، روش‌های ایمن‌سازی روانی	Adler (1958)؛ وزارت بهداشت

قابلیت اندازه گیری میدانی مؤلفه‌ها در نمونه‌های موردی می‌باشد؛ کلیه این شاخص‌ها (مساحت، فرم، درصد فضای بسته/باز، تعداد طبقات، ورودی/هشتی، تعداد حیاط، ابعاد اتاق‌ها، تزیینات، جهت قبله، تناسبات زمین و حجم بنا) از روی نقشه‌ها و برداشت میدانی قابل استخراج و سنجش دقیق هستند. با توجه به این مبانی نظری، چارچوب مفهومی پژوهش در نمودار ۲ قابل مشاهده است.

نمودار ۲. چارچوب مفهومی پژوهش (یافته‌های پژوهش)



تحولات سبک زندگی در دوره‌های قاجار و پهلوی

در بازه زمانی اوایل تا اواسط دوران قاجار، شاهد تداوم الگوهای سنتی در سبک زندگی هستیم. در این دوره، نظام خویشاوندی از جایگاهی محوری برخوردار بود و گروه‌های خویشاوندی، متشکل از افرادی با موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت، ساختار اجتماعی اصلی را تشکیل می‌دادند (مه‌دوی، ۱۳۹۲، ۱۱۵). نقش‌های اعضای خانواده به صورت کاملاً تعریف‌شده و مشخص بود، تقسیم کار مبتنی بر اصول سنتی در آن جاری بود و فضاهای زندگی عموماً بر اساس جدایی جنسیتی سازماندهی می‌شد. در اواخر عصر قاجار، حرکت تدریجی جامعه به سمت مدرنیته آغاز گردید (ناری قمی و عباس‌زاده، ۱۳۹۳، ۹۴) که این روند در دوران پهلوی شتاب قابل ملاحظه‌ای یافت. در دوره تجدد، کلیه ارزش‌های پیشین در قالب سیاست‌های مدرنیستی و تحت حکمرانی فرداول مملکت به چالش کشیده شد و هر آنچه که مطابق با انگاره‌های نوین بود، به‌عنوان امری ارزشمند مورد پذیرش قرار گرفت (کیانی، ۱۳۸۳، ۳۱). رضاشاه در مسیر تبدیل ایران به جامعه‌ای مدرن بر اساس الگوی جوامع اروپایی، موانع اصلی این مسیر، یعنی نهادهای مذهبی و سنتی، را از سر راه برداشت. بسیاری از اقدامات او، از جمله کشف حجاب، عرفی‌سازی نظام قضایی، محدود کردن مراسم مذهبی و عزاداری‌ها، به صورت مستقیم در تقابل با ساختارهای دینی پیشین قرار گرفت (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۱۸۴). این دگرگونی‌های اجتماعی تأثیرات عمیقی بر سازمان فضایی، الگوهای سکونت و فرم‌های معماری این

فضاهای رسمی برای مهمانی و سرگرم‌شدن هستند؛ مجردها شاید فضای باز را ترجیح می‌دهند (ونتلینگ، ۱۳۹۲/۱۹۹۰، ۱۲) و زوج‌های جوان با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی، کم‌تر به دنبال مهمانی گرفتن هستند.

جهت تحلیل رابطه سبک زندگی و مسکن، مؤلفه‌هایی از سبک زندگی که رابطه بیشتری با مقوله مسکن دارند، از جدول ۱ شناسایی و استخراج گردیدند که شامل معنویت و ارزش‌ها (انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و...)، روابط، تعاملات و ارتباطات اجتماعی و فعالیت‌های فردی (تغذیه، ورزش، استراحت و...) می‌باشند. با توجه به دامنه گسترده این مؤلفه‌ها در ارتباط با کالبد مسکن، ابتدا آن‌ها را در چهار گروه کلی دسته‌بندی کرده، سپس به بررسی نوع و میزان رابطه آن‌ها با معماری خانه پرداخته می‌شود. مؤلفه اول (مؤلفه شغل و اقتصاد) در ارتباط با شغل افراد خانواده و نیز فعالیت‌های اقتصادی دیگر از جمله صنایع دستی و فرآوری محصولات خوراکی می‌باشد. مؤلفه دوم (مؤلفه ارتباطات اجتماعی) به موضوعات تعامل با همسایگان و مهمانان، مراسمات، برنامه‌های جمعی، فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی دسته‌جمعی می‌پردازد. مؤلفه سوم (مؤلفه فرهنگی-ارزشی) سبک زندگی شامل جنبه‌های ذهنی و معنایی سبک زندگی از قبیل ارزش‌ها، باورها، بایدها و نبایدها، ذوق و سلیقه را شامل می‌شود. (معتقدی و همکاران، ۱۴۰۰، ۸۴). مؤلفه چهارم (مؤلفه فعالیت‌های فردی) نیز اشاره به اکثر فعالیت‌های روزمره خوردن، خوابیدن، اعمال بهداشتی، مطالعه، تفکر، ورزش عبادات فردی و غیره دارد. این چهار مؤلفه به همراه فعالیت‌های آن در جدول ۲ به صورت خلاصه آورده شده است.

هر گونه تغییر در این مؤلفه‌های سبک زندگی، منجر به تغییرات کالبدی در معماری خانه می‌شود. مبنای انتخاب این مؤلفه‌های کالبدی، مطالعات مورفولوژیک معماری مسکن در ادبیات تخصصی می‌باشد؛ راپاپورت (۲۰۰۵) نسبت فضای بسته/باز، فرم کلی و تناسبات زمین را به‌عنوان متغیرهای کلیدی تحلیل کالبد مسکن معرفی کرده است. توان (۱۹۷۷) جهت‌گیری بخشی پلان و نسبت فضای باز به بسته را در بررسی‌های زیست‌محیطی مسکن برجسته ساخته؛ زیسل (۱۹۹۴) سلسله‌مراتب ورودی، هشتی و نحوه تزیینات داخلی-خارجی را در طبقه‌بندی نظام‌مند فضاهای مسکونی آورده است. در پژوهش‌های داخلی نیز بیشتر تغییرات کالبدی مسکن مربوط به پلان معماری، تعداد، ابعاد و اندازه ریزفضاها می‌باشد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۹). بدین منظور جهت بررسی تغییرات کالبدی شاخص‌های مساحت، فرم کلی، جهت‌گیری ساختمان، درصد فضای بسته و باز، تعداد طبقات، ورودی، هشتی، تعداد حیاط، تعداد و مساحت اتاق، تزیینات، جهت‌گیری به سمت قبله، تناسبات زمین و ساختمان اصلی در نمونه‌های موردی بررسی و تحلیل شده و سپس درباره ارتباط آن‌ها با تغییرات سبک زندگی بحث می‌شود. نکته دیگر

جدول ۲. مؤلفه‌های سبک زندگی در ارتباط با معماری مسکن (یافته‌های پژوهش)

مؤلفه سبک زندگی	فعالیت‌ها	
۱ شغل و اقتصاد	شغل، سایر فعالیت‌های اقتصادی (صنایع دستی، فرآوری محصولات خوراکی و...)	
۲ ارتباطات اجتماعی	تعامل با همسایگان، مهمانی، مراسمات جمعی و...	
۳ فرهنگی-ارزشی	ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، ذوق و سلیقه	
۴ فعالیت‌های فردی	خوردن، خوابیدن، اعمال بهداشتی، ورزش، عبادات فردی، تفکر و...	

تعداد خودروها و وسایل نقلیه موتوری بود که این امر نه تنها شکل حمل و نقل را متحول کرد، بلکه بر الگوی شکل‌گیری محلات، طراحی شبکه معابر و حتی معماری خانه‌ها نیز تأثیر گذاشت. در اواخر دهه ۱۳۳۰ نخستین دستگاه‌های سرمایشی به ایران وارد شد تا شهروندان در گرمای تابستان، خانه‌های خود را خنک نگه دارند (کریمی، ۱۳۹۰/۲۰۱۳، ۱۹). همچنین واردات فناوری‌هایی مانند چاپ، رادیو، تلفن، ماشین‌آلات صنعتی و... فرآیندهای فرهنگی و اقتصادی را شتاب دادند. ترویج رسانه‌های نوین، از جمله مطبوعات و بعدها رادیو، فرصت‌های جدیدی برای آموزش، اطلاع‌رسانی و سرگرمی فراهم ساختند و زمینه‌ساز شکل‌گیری فضای فرهنگی مدرن شدند. برای نمونه، رادیو در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، نقش کلیدی در انتقال اخبار، موسیقی و برنامه‌های فرهنگی داشت و مردم را بیشتر با جهان خارج مرتبط ساخت. این فناوری، بر نحوه برگزاری مراسم جمعی، آموزش‌های عمومی و حتی تلقین ارزش‌های غربی تأثیرگذار بود. همین فرآیند به تغییر نگرش‌ها، رفتارهای اجتماعی و تصویر ذهنی از زندگی شهری کمک بسزایی کرد.

جدول ۳. شاخص‌های سبک زندگی تغییر کرده در دو دوره قاجار و پهلوی (یافته‌های پژوهش)

شاخص	نوع تغییر
۱	زمین کم‌تر و گران‌تر
	مراکز فعالیت اقتصادی
	جاده‌ها و حمل و نقل
۲	پیشرفت تکنولوژی
۳	تغییر ساختار خانواده
	تغییر نقش‌ها و جایگاه زنان در جامعه
۴	مشاغل جدید
	ظهور مشاغل کارگری، صنعتی و...
۵	ساختار فرهنگی
	تمایل حکومت به غرب‌گرایی و سکولاریسم
	تلفیق عناصر سنتی ایرانی با زیبایی‌شناسی غربی
	توسعه مطبوعات، رادیو و تلویزیون

ساختار خانوادگی و تغییر نگرش‌های فرهنگی: در دوران قاجار، نخستین نشانه‌های دگرگونی در ساختار نهاد خانواده پدیدار گشت و این روند در دوره پهلوی به تغییراتی چشمگیر در سازمان و پویایی‌های درونی خانواده انجامید. بر پایه سنت، خانواده‌های گسترده در مجتمع‌های مسکونی بزرگ با حیاط‌های چندگانه و فضاهای اشتراکی زندگی می‌کردند. اما با شتاب‌گیری فرآیندهای شهرنشینی و صنعتی‌شدن، گرایش به سمت خانواده‌های هسته‌ای و ضرورت ایجاد فضاهای خصوصی‌تر افزایش یافت. همزمان با رشد شهرها و گسترش فرصت‌های شغلی، نسل جوان به تدریج از خانواده‌های گسترده خود فاصله گرفته و به تأسیس خانوارهای مستقل و کوچک‌تر روی آورد. این تحولات، همراه با دگرگونی جایگاه اجتماعی زنان تحت تأثیر الگوهای زندگی غربی بود، به گونه‌ای که به ویژه زنان طبقات متوسط و بالای جامعه با حمایت غیرمستقیم حکومت از

دوره بر جای نهاد. در ادامه اهم تغییرات اثرگذار بر سبک زندگی بررسی می‌گردد و خلاصه آن در جدول ۳ آورده شده است.

شهرنشینی و توسعه ساختارهای شهری: در دوره پهلوی اول، پوشش شهرنشینی سرعت گرفت و جمعیت شهرها با شدت بیشتری آغاز به رشد کرد که این امر موجب شد مسئولان جهت گسترش بناهای شهری تدابیر جدی‌تری بیاندیشند (کلانتری و بخشی‌زاده، ۱۳۹۸، ۴۲۰). یکی از عوامل کلیدی و محرک این روند، رشد صنایع و تجارت بود که شهرها را به مراکز فعالیت اقتصادی تبدیل کرد و مردم روستایی را در پی یافتن فرصت‌های شغلی بهتر به سمت شهرها سوق داد. این مهاجرت جمعیتی، نیاز به مسکن را افزایش داد و ساخت ساختمان‌های بزرگ‌تر و توسعه محله‌ها را به دنبال داشت، همچنین تحولات در حوزه حمل و نقل و زیرساخت‌ها را دچار تغییر کرد؛ جاده‌ها بهبود یافتند و امکان رفت‌وآمد آسان‌تر در داخل شهرها فراهم شد که این امر باعث ساخت خیابان‌های بزرگ و عریض‌شد و بر طراحی و ساخت ساختمان‌ها تأثیرگذار بود. نوسازی شهری در این دوره عمدتاً در احداث خیابان‌ها نمود پیدا کرد و خیابان‌ها به عنوان عامل اصلی تعیین هویت شهری شناخته شدند (صفری و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۰). علاوه بر این، راه‌آهنی که توسط مهندسان خارجی ساخته شد، نقش مهمی در گسترش و توسعه راه‌های ارتباطی ایفا کرد. در حقیقت، گسترش شهرنشینی و توسعه فضاهای شهری یکی از نمادهای بارز تحولات آن زمان در ایران بود، به گونه‌ای که در زمان قاجار، شهر تبریز و دیگر مراکز عمده شاهد نوسازی بافت شهری، طراحی خیابان‌ها و میدان‌های نوین بودند؛ ساخت خیابان‌های غربی، بازارهای نوین و ساختمان‌های دولتی با معماری غیرایرانی، نشانگر تأثیرپذیری جامعه از مدرنیزاسیون غربی بودند. در کنار این تحولات، توسعه فضاهای عمومی همچون پارک‌ها و میدان‌ها، فرصت‌هایی برای تجمعات اجتماعی و فرهنگی فراهم ساخت و این فضاها نقش مهمی در تکوین هویت شهری ایفا کردند (کریمی، ۱۳۹۰/۲۰۱۳، ۱۱۲). در نتیجه، شهرها به عنوان کانون فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی، به سمت مدرن‌سازی و نوسازی حرکت کردند؛ این تغییرات، در کنار تحول در رفتارهای اجتماعی و تعاملات مردم با فضاهای عمومی، نقش اساسی در شکل‌گیری سبک زندگی نوین و استانداردهای فضای شهری ایفا کردند، که مبتنی بر ارزش‌های مدرن و نیازهای زندگی شهری بودند.

پیشرفت‌های تکنولوژیکی: ظهور و توسعه فناوری‌ها و نوآوری‌های جدید در عرصه‌هایی نظیر برق، تأسیسات مکانیکی و سیستم‌های گرمایشی، تأثیرات شگرفی بر سیر تحول طراحی مسکن بر جای نهاد. این دستاوردهای تکنولوژیک، امکان ادغام امکاناتی همچون لوله‌کشی داخلی، سیستم‌های گرمایش مرکزی و روشنایی الکتریکی را در بناها فراهم نمود که به نوبه خود، دگرگونی‌های بنیادینی در سازمان فضایی و عملکردی خانه‌ها ایجاد کرد. همزمان، پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه تولید انبوه مصالح ساختمانی طی دوره پهلوی اول، منجر به تحولی چشمگیر در فرآیندها و مقیاس ساخت‌وساز گردید. در حالی که پیش از این، عمده بناها با استفاده از مصالحی نظیر خشت خام، کاهگل و آجرهای سنتی ساخته می‌شدند، در این دوره با تأسیس کوره‌پزخانه‌های صنعتی تولید آجر، کارخانه‌های تیرآهن و شیشه، بهره‌گیری از مصالح نوین و روش‌های ساخت مدرن، زمینه‌ساز رشد کمی و کیفی معماری و توسعه خانه‌های شهری شد (کلانتری و بخشی‌زاده، ۱۳۹۸، ۴۲۳). از دیگر تحولات تکنولوژیک این دوره، افزایش قابل توجه

کمرنگ شدن ارزش‌های سنتی، امکان مشارکت گسترده‌تر در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال در مشاغل چون پرستاری، آموزگاری و فعالیت در کارخانه‌ها را یافتند. دولت پهلوی با سیاست‌های فعالانه در پی ترویج الگوی زن مدرن و شاغل بود (کلاتری و بخشی‌زاده، ۱۳۹۸، ۴۱۸). اصرار بر تقلید از سبک زندگی غربی در حوزه‌هایی چون پوشش و آموزش، در نهایت به ممنوعیت استفاده از چادر در سال ۱۳۱۵ و اجرای طرح کشف حجاب انجامید (آروی و همکاران، ۱۳۷۱/۱۹۹۱، ۴۳). تغییر جایگاه زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، از محوری‌ترین مؤلفه‌های برنامه غربی‌سازی سبک زندگی بود. اجرای این سیاست‌ها به دلیل تعرض به حریم خانواده و ارزش‌های اسلامی، با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد (جعفری و همکاران، ۱۳۷۱، ۴۶). در سمت راست تصویر ۱، یک خانواده سنتی ایرانی با مشکلات و در سمت چپ آن یک خانواده تک‌هسته‌ای غربی با آسایش نشان داده شده است. در این بافت تاریخی، واردات فرهنگی از غرب و تلاش‌های داخلی برای نوسازی ساختارهای سنتی، شتابی فزاینده به تغییر ارزش‌های اجتماعی بخشید. مفاهیمی چون آزادی، برابری جنسیتی و آموزش همگانی، همراه با دگرگونی در نگرش به نهاد خانواده، بر رفتارهای فردی و جمعی تأثیر نهاد و به تدریج به شکل‌گیری فرهنگی نوین انجامیدند.

تصویر ۱. مقایسه خانواده ایرانی و اروپایی در راستای تشویق به خانواده تک‌هسته‌ای غربی (نشریه خلق، ۱۹۳۵)



شان از تشخص داشت و هم نماد گذار به مدرنیته شهری بود. تغییرات فرهنگی، هنر و نگرش‌های جدید دوره انتقال از قاجار به پهلوی شاهد دگرگونی‌های عمیق فرهنگی و هنری بود که متأثر از چهار جریان کلان غرب‌گرایی حکومتی، شکاف نسلی، تغییر نظام ارزشی، و تحول نهادهای فرهنگی شکل گرفت. مردم ایران طی فرآیند مدرنیزاسیون وارد فضای جدیدی هم در عرصه واقعیت و هم در عرصه فکری شدند. این فضای جدید با دگرگونی‌های فرهنگی نظیر ایجاد تصوراتی نو از سلیقه، زیبایی و مصرف ممکن شده بود (کریمی، ۲۰۱۳/۱۴۰۰، ۲۴). ورود سبک‌های غربی در معماری، موسیقی، و ادبیات، همراه با تأسیس مدارس جدید، مطبوعات، و نهادهای آموزشی (نظیر دانشگاه تهران در ۱۳۱۳)، فضایی برای ظهور ارزش‌های نوین و گفتمان‌های تازه درباره هویت ملی فراهم کرد. در معماری، تلفیق عناصر سنتی ایرانی (مانند کاشی‌کاری و خوشنویسی) با زیبایی‌شناسی غربی، منجر به ساخت ساختمان‌های نمادین و تغییر فضاهای شهری شد که نه تنها ظاهر شهرها، بلکه سبک زندگی فردی و اجتماعی را به سوی مدرنیته سوق داد. این تحولات با مقاومت‌های فرهنگی مواجه شد؛ مانند قضیه کشف حجاب اجباری (۱۳۱۴) که اشاره شد. از سویی، گذار از هویت جمعی به فردگرایی، مصرف کالاهای لوکس را به نماد پایگاه اجتماعی تبدیل کرد، و از دیگر سو، جایگزینی مکتب‌خانه‌ها با

ظهور مشاغل جدید و تحولات اقتصادی؛ فرآیند صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در دوره پهلوی، منجر به توسعه کالبدی شهرها و ایجاد فرصت‌های شغلی نوین گردید که این تحولات به نوبه خود تأثیرات عمیقی بر سبک زندگی شهروندان بر جای نهاد. کارخانه‌های متعدد در

بررسی می‌شود. در جدول ۴ خانه‌های انتخابی معرفی شده‌اند. همان گونه که اشاره شد، دلیل انتخاب این دو دوره تاریخی به خاطر تغییرات وسیعی است که در سبک زندگی مردم ایران اتفاق افتاد و شکل و کالبد خانه‌ها را دچار تغییر و دگرگونی کرد. همچنین در خود هر دوره تاریخی نیز انتخاب خانه‌ها به شکلی بوده است که سیر تاریخی حفظ شود؛ یعنی در دوره پهلوی خانه امیرپرویز مربوط به پهلوی اول و خانه شهریار مربوط به پهلوی دوم می‌باشد. در دوره قاجار نیز خانه نیکدل مربوط به اوایل دوره قاجار و خانه شربت اوغلی مربوط به اواخر دوره قاجار می‌باشد. لذا انتخاب نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند یا غیراحتمالی که اطلاعات و نقشه‌های آن در سازمان میراث فرهنگی موجود و ثبت شده باشد، می‌باشد.

بحث و تحلیل

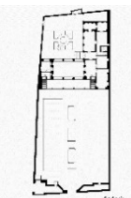
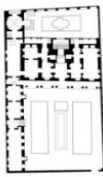
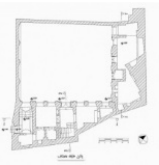
در این بخش، سیر تحول کالبدی نمونه‌های منتخب مورد بررسی قرار می‌گیرد. واکاوی این سیر تکاملی، گامی بنیادین در راستای شناسایی چگونگی تأثیرپذیری معماری مسکن از مؤلفه‌های سبک زندگی به شمار می‌رود. روش پژوهش بدین ترتیب است که ابتدا دگرگونی‌های کالبدی خانه‌ها در دو دوره تاریخی مورد تحلیل تطبیقی قرار گرفته، سپس با بهره‌گیری از چارچوب نظری مؤلفه‌های سبک زندگی، علل این تغییرات و ارتباط آن با متغیرهای مذکور واکاوی می‌شود. پرسش محوری آن است که آیا تغییرات معماری مسکن متأثر از تحولات سبک زندگی و مؤلفه‌های آن بوده است یا خیر؟ از این رهیافت می‌توان به بررسی دقیق و جز، نگرانه

مدارس جدید و گسترش رسانه‌های غرب‌محور، به افول تدریجی نهادهای مذهبی به‌عنوان مرجع سبک‌سازی منجر شد. در واقع ضمن نفی سبک زندگی اسلامی-سنتی جامعه، راه حل کلیه مشکلات اجتماعی-اقتصادی جامعه سبک زندگی غربی در نظر گرفته شد (کاتوزیان، ۱۳۷۴/۱۹۸۱، ۱۷). با توسعه مطبوعات، رادیو و تلویزیون، ارتباطات در جامعه روز به روز گسترده‌تر شد و بر افکار، ارزش‌ها و نگرش‌های مردم تأثیر گذاشت. این رسانه‌ها، علاوه بر اطلاع‌رسانی، نقش مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی و تثبیت ارزش‌های مدرن داشتند و در تبیین مفاهیم آزادی، آموزش و توسعه فردی نقش ایفا کردند. گسترش این ابزارهای ارتباطی، جامعه مدرن ایرانی را به سمت آگاهی‌بخشی و توسعه فرهنگی سوق داد (خاکرند و صبوریمند، ۱۳۹۳، ۲۴). رسانه‌های نوین، به ویژه مطبوعات، رادیو و بعدها تلویزیون، نقش مهمی در شکل‌گیری و تعمیق نگرش‌های فرهنگی داشتند که این امر بر سبک زندگی روزمره، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تأثیرگذار بود. از این رو، فضاهای فرهنگی و آموزشی، محیط‌های فرهنگی و هنری، و حتی فضاهای عمومی شهری، به صورت نمادین و عملی، نشانگر انتقال ارزش‌های نوین و فاصله گرفتن از سنن قدیمی شدند. این تحولات، زنجیره‌ای از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و فکری را در جامعه ایرانی ایجاد کردند که در شکل‌گیری ایرانی مدرن، نقش آفرین بودند.

بررسی نمونه‌های موردی

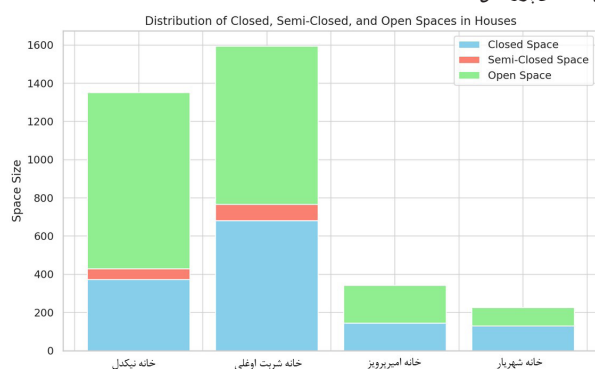
به منظور بررسی تطبیقی نقش تغییرات سبک زندگی بر کالبد مسکن در خانه‌های دو دوره قاجاری و پهلوی شهر تبریز، چهار خانه انتخاب و

جدول ۴. معرفی خانه‌های مورد مطالعه در تبریز (یافته‌های پژوهش)

دوره	خانه	توضیح	پلان	تصویر
قاجار	نیکدل	متعلق به اوایل دوران قاجار، دو طبقه و دارای دو حیاط اندرونی و بیرونی، سقف حوضخانه دارای کاربندی بسیار زیبا و گچ‌بری آینه کاری، ارسی‌های نمای جنوبی بنا		
	شربت اوغلی	متعلق به نیمه دوم حکومت قاجاریه، دو طبقه و دارای اندرونی و بیرونی، ستون‌های رفیع نما با سرستون‌های گچ‌بری شده، دارای طنبی‌های وسیع.		
پهلوی	امیر پرویز	دو طبقه همکف و اول. بالکن بیضی در بالای ورودی. نمای اصلی دارای آجرکاری دوره پهلوی. مصالح به کار رفته سنگ، آجر و ملات ماسه آهک گچی.		
	شهریار	در زمان پهلوی دوم، دو طبقه زیرزمین و همکف با مصالح جدید، یک حیاط، نمای آجری ساده، یک پاسیو (نورگیر) در انتهای بنا دیده می‌شود.		

فضای باز و حیاط به کل مساحت زمین کاهش پیدا کرده و درصد بیشتری از زمین به ساختمان و بنا اختصاص یافته است. درصد فضای بسته به کل مساحت زمین در خانه‌های قاجاری بین ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌باشد، در حالی که خانه‌های پهلوی بعضاً بیش از ۵۰ درصد مساحت زمین را به توده و حجم بنا اختصاص داده‌اند.

نمودار ۳. مساحت و تفکیک فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته در نمونه‌های مورد مطالعه (یافته‌های پژوهش)



تحولات ساختاری در نهاد خانواده، از جمله گرایش به خانوارهای هسته‌ای کوچک‌مقیاس و یا تداوم الگوهای چندنسلی، تأثیرات معناداری بر طراحی مسکن بر جای نهاده است. خانوارهای کوچک‌تر عموماً به تعداد اتاق خواب کم‌تر اما فضاهای اشتراکی وسیع‌تر تمایل دارند، در حالی که خانواده‌های سنتی چندنسلی به فضاهای نشیمن جداگانه و یا حوزه‌های مشترک با قابلیت تفکیک پذیری نیازمندند. این دگرگونی در الگوی

مؤلفه‌های اثرگذار سبک زندگی بر معماری خانه پرداخت و نتایج آن را در تحلیل‌های آتی به کار بست. در جدول ۵ ویژگی‌های کالبدی نمونه‌های مطالعاتی مربوط به هر دوره تاریخی استخراج گردیده است. در ادامه، مقایسه نظام‌مند این ویژگی‌ها و واکاوی علل این دگرگونی‌ها در کالبد مسکن از منظر سبک زندگی ارائه خواهد شد.

جهت سهولت بررسی مطالعات میدانی و نیز بررسی شاخص‌های کالبدی مختلف در خانه‌های مورد مطالعه اول، این ویژگی‌ها در چند دسته مورد مطالعه و کالبدشکافی قرار می‌گیرند.

ابعاد و اندازه

همان‌گونه که در تحولات سبک زندگی در دوره قاجار و پهلوی بحث شد، تغییر زندگی روستایی به شهری و نیز افزایش تراکم جمعیتی تغییراتی را در طراحی خانه ایجاد کرد. به دلیل فضای محدود مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، خانه‌ها نزدیک به یکدیگر، دارای دیوارهای مشترک و یا در ردیف‌های کنار هم ساخته می‌شدند. لذا بافت شهری به یک بافت فشرده و به هم پیوسته تبدیل شد. در این مناطق شهری با فضای محدود، اغلب خانه‌های کوچک‌تر و فشرده‌تر ساخته می‌شد.

این تغییرات در نمودار ۳ قابل مشاهده است؛ به نحوی که متراژ زمین خانه‌های نیکدل و شربت اوغلی به ترتیب ۱۳۵۲ و ۱۵۹۵ مترمربع می‌باشد، اما در خانه‌های امیرپرویز و شهریار (پهلوی) متراژ به ۳۴۱ و ۲۲۵ مترمربع کاهش یافته است. علاوه بر این، نیاز به استفاده کارآمد از فضا منجر به افزایش مساحت بنا نسبت به حیاط، ایجاد ساختمان‌های چند طبقه و ادغام ترتیبات نشیمن عمودی شد. مقایسه درصد فضای بسته و فضای باز موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که با تغییر سبک زندگی، نسبت

جدول ۵. ویژگی‌های کالبدی خانه‌های مورد مطالعه (یافته‌های پژوهش)

	شاخص	مقدار			
		دوره قاجار		دوره پهلوی	
		خانه نیکدل	خانه شربت اوغلی	خانه امیرپرویز	خانه شهریار
۱	درصد فضای بسته	۲۸٪	۴۳٪	۴۲٪	۵۸٪
۲	درصد فضای باز	۶۸٪	۵۲٪	۵۸٪	۴۲٪
۳	درصد فضای نیمه بسته	۴٪	۵٪	۰	۰
۴	کل مساحت	۱۳۵۲	۱۵۹۵	۳۴۱	۲۲۵
۵	تعداد طبقات	۳	۲	۳	۲
۶	تعداد ورودی	۲	۲	۱	۱
۷	تعداد هشتی	۱	۱	۱	۰
۸	تعداد حیاط	۲	۲	۱	۱
۹	فرم کلی	L	L	L	Y
۱۰	حضور ایوان	۱	۱	۰	۰
۱۱	تعداد اتاق	۱۷	۱۴	۱۱	۷
۱۲	تعداد اتاق / مساحت کل	۱/۲۶	۰/۸۸	۳/۲۳	۳/۱۱
۱۳	تناسبات زمین	۲/۳۶	۱/۸۳	۱/۱	۱/۶۵
۱۴	تناسبات ساختمان اصلی	۲/۴۴	۱/۷	۲/۸	۱/۱
۱۵	زاویه (نسبت به شمال)	۱۹۵	۲۰۰	۴۵	۱۹۵
۱۶	جهت‌گیری به سمت قبله	۱	۱	۰	۱

از دیگر آثار شهرنشینی می‌توان به نفوذ وسایل نقلیه و به تبعیت از آن گسترش خیابان‌ها اشاره کرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۷). با راحت‌تر شدن حمل و نقل، دیگر نزدیک بودن محل کار به محل سکونت ضروری نبود؛ این امر منجر به سکونت خانواده‌های اشراف در مکان‌های خوش آب‌وهوا و دور از مرکز شهر گردید (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۳۱). همچنین خیابان‌ها با پذیرش کارکردی جدید -علاوه بر حمل و نقل- به عنوان رقیب برای فضای «بازار» در سبک زندگی دوران قاجار وارد عرصه شدند و ویرترین مغازه‌ها فرصتی برای نمایش و گسترش سبک زندگی مصرف‌گرای غربی ایجاد کرد.

تزیینات بنا

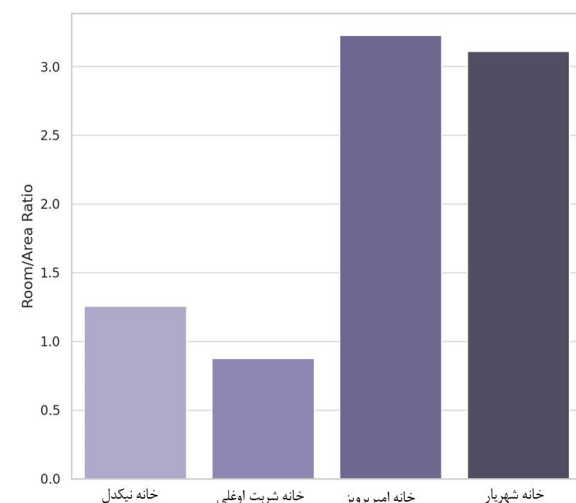
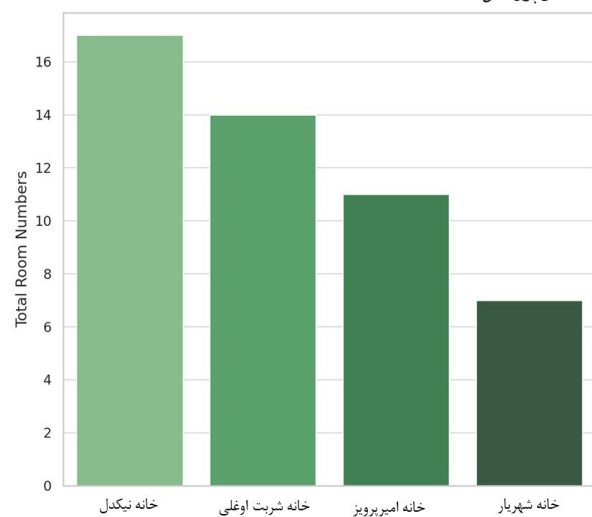
در خانه‌های سنتی تا دوره قاجار، نمای بیرونی خانه‌ها تفاوت زیادی با یکدیگر نداشت و بیشتر تزیینات ساختمانی در نماهای داخلی و روبه سمت حیاط خانه و نه کوچه اتفاق می‌افتاد. البته در شکل سردر ورودی، ذوق و سلیقه ساکنان دیده می‌شود ولی به دلیل پرهیز از تجمل‌گرایی و فخرفروشی (مطابق با سبک زندگی سنتی) تفاوت زیادی در نمای خارجی خانه‌ها به چشم نمی‌خورد. در بررسی نمونه‌های موردی مطابق جدول ۶، این سیر تحول قابل مشاهده است؛ به‌طوری که در خانه نیکدل (اوایل قاجار) با وجود تزیینات بسیار زیاد و فاخر در نمای داخل حیاط، سردر و نمای خارجی تزیینات کم‌تری دارد و ساده‌تر طراحی شده است. در خانه شربت اوغلی (اواخر قاجار) و خانه امیرپرویز (پهلوی اول) با توجه به تغییرات فرهنگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، نمای خارجی دارای تزیینات بیشتری می‌باشد و جنبه مصرف‌گرایی در آن به چشم می‌خورد؛ به نحوی که گویا نمای خارجی قصد دارد تمکن مالی یا جایگاه اجتماعی بالای صاحب خانه را نشان دهد. به بیان دیگر ایده خانه‌های حیاط‌دار محصور، جای خود را به خانه‌های قابل رویت و با طراحی رو به بیرون دادند (کریمی، ۱۴۰۰/۲۰۱۳، ۱۳۵). لکن در خانه شهریار (پهلوی دوم) تزیینات چه در داخل و چه در خارج به حداقل رسیده است که می‌توان این نکته را در ارتباط با سبک معماری مدرن که در آن بر سادگی تأکید می‌شود، مرتبط دانست.

سیستم ورودی

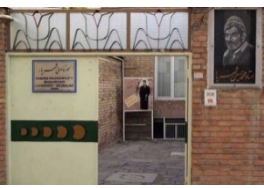
در خانه‌هایی که با توجه به سبک زندگی سنتی معماری شده‌اند، فضای ورودی خود از چند فضای کوچک‌تر تشکیل شده و برای حفظ حریمیت داخل خانه دارای چند مرحله است. ورود به خانه نه به شکل مستقیم، بلکه از طریق سلسله مراتب و دستگاه ورودی شکل می‌گرفت؛ حتی اگر در خانه‌های کوچک، فضاهای پیش‌ورودی از جمله هشتی و دالان وجود نداشت، جلوی درب ورودی خانه، پرده‌ای می‌کشیدند تا ساختار فضایی هشتی را تداعی کند و اجازه دید مستقیم به حیاط را ندهد (بهشتی، ۱۳۹۵، ۲۳۶). مانند خانه‌های نیکدل و شربت‌اوغلی که در آن مرز قلمرو درون و بیرون خانه تنها یک دیوار جداکننده نیست؛ بلکه دارای ورودی‌های جداگانه برای قسمت‌های مختلف خانه، هشتی و دو حیاط می‌باشند و با استفاده از این ابزار سلسله‌ای از فضاهای بینابینی و طیف متنوعی از قلمرو خصوصی تا عمومی را فراهم می‌آورند. لکن در خانه امیرپرویز این فضاها تقلیل یافته‌اند؛ با وجود دارا بودن هشتی، تعداد ورودی و حیاط مجزا کم شده و در خانه شهریار فضای هشتی نیز حذف گردیده است (تصویر ۲).

خانوادگی، تقاضا برای مسکن‌های مستقل و کوچک‌مقیاس را افزایش داده که قابلیت اسکان خانوارهای منفرد را دارا باشند. در پاسخ به این نیاز، طراحی مسکن به سمت اولویت‌دهی به فضاهای زندگی مستقل برای هر واحد سکونتی سوق یافته است. همچنین، با افزایش حضور اجتماعی زنان، نیاز به تعریف فضاهای اختصاصی درون خانه که امکان فعالیت‌هایی چون مطالعه یا میزبانی از گردهمایی‌های اجتماعی را فراهم آورند، امری ضروری تبدیل شده است. نمودار ۴ تعداد اتاق و نیز نسبت تعداد اتاق به مساحت خانه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مشخصاً با تغییر سبک زندگی به سمت خانواده‌های کوچک‌تر و تک‌هسته‌ای، تعداد اتاق‌ها در خانه شهریار و خانه امیرپرویز نسبت به خانه‌های شربت اوغلی و نیکدل کاهش یافته است. همچنین نسبت تعداد اتاق به مساحت خانه نیز در خانه‌های دوره پهلوی بیشتر است که نشان‌دهنده استفاده بهینه‌تر و اقتصادی‌تر از زمین برای ساختمان را نشان می‌دهد و در واقع به همان کاهش مساحت حیاط و افزایش سطح اشغال ساختمان اشاره دارد؛ به‌عنوان مثال به ازای هر اتاق در خانه شربت‌اوغلی حدود ۵۷ مترمربع حیاط در نظر گرفته شده است، در حالی که این مقدار در خانه امیرپرویز حدود ۱۵ مترمربع می‌باشد.

نمودار ۴. تعداد اتاق‌ها و نسبت تعداد اتاق به مساحت در نمونه‌های مورد مطالعه (یافته‌های پژوهش)

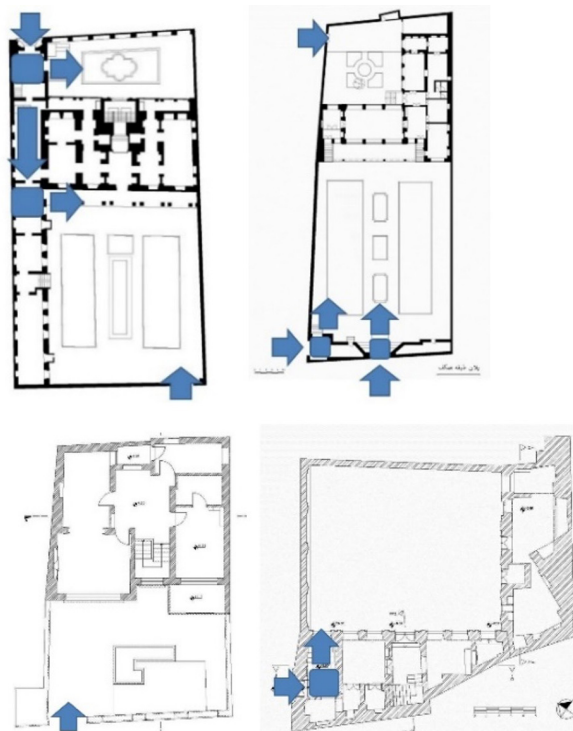


جدول ۶. بررسی تزیینات معماری در بخش‌های مختلف خانه‌های مورد مطالعه (یافته‌های پژوهش)

خانه نیکدل	خانه شربت اوغلی	خانه امیر پرویز	خانه شهریار	
				نمای خارجی
				نمای داخل حیاط

بدین ترتیب سبک زندگی مدرن منجر به حذف فضاهای بینابینی که قلمرو شهر را به تدریج به خانه وصل می‌کردند، شده و مرز بین خانه و بیرون را به یک دیوار (حتی در برخی موارد با بازشوهای درون آن) و یک در تقلیل داده است. این امر علاوه بر کاهش میزان حریمیت خانه، حس تعلق به خانه و روابط اجتماعی همسایگی را نیز کم نموده است.

تصویر ۲. سیستم ورودی خانه‌ها به ترتیب از راست به چپ: خانه‌های نیکدل، شربت اوغلی، امیر پرویز، شهریار (یافته‌های پژوهش)



تقسیم‌بندی پلان خانه

همان گونه که در پلان خانه‌های نیکدل و شربت اوغلی مشخص است، فضای کلی خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم شده که هر بخش ورودی و حیاط جداگانه برای خود داشته است (تصویر ۳). قسمت اندرونی برای دارای خلوت و حریمیت بیشتر بوده و برای زندگی

خصوصی خانواده مخصوصاً بانوان و کودکان از آسایش و آرامش بیشتری برخوردار بوده است. حیاط نقش فضای اصلی را در مرکز پلان ایفا می‌کرد و فضای مستقلی بود که پنجره‌های اتاق‌ها به آن سمت بود؛ و با توجه به سبک زندگی اسلامی، دید نامحرم به آن راه نداشت. همچنین آشپزخانه اصلی در اندرونی خانه قرار داشت که معمولاً در زیرزمین یا گوشه‌ای از حیاط قرار می‌گرفت. هنگامی که مهمانان نامحرمی به خانه می‌آمدند، به قسمت بیرونی خانه هدایت می‌شدند و بی آن که مزاحمتی برای سایر اهالی خانه پیش آید، در قسمت اندرونی خانه به زندگی عادی خویش ادامه می‌دادند. طی دهه ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ سنت تقسیم فضایی اندرونی و بیرونی، جای خود را به تقسیم بخش‌های مختلف خانه بر اساس کارکرد اتاق داد (کریمی، ۱۴۰۰/۲۰۱۳، ۱۳۳). در پلان خانه امیر پرویز مشاهده می‌شود که با حذف یک حیاط، دو بخش خانه در دو طرف یک حیاط قرار گرفته اند که باعث کمرنگ شدن حریم خصوصی قسمت اندرونی خانه گردیده است. لکن در شهریار این تقسیم‌بندی فضاهای به‌طور کلی حذف شده و انتظام فضاهای گرداگردال مرکزی (به جای حیاط)، اتفاق می‌افتد؛ حیاط نقش نظم‌دهنده خود را از دست داده، در ابتدای پلان قرار گرفته است. در این حالت استقلال و حریمیت اتاق‌ها نسبت به خانه سستی کم‌تر می‌شود، و فضای حال مرکزی به‌عنوان نشیمن خانواده استفاده می‌گردد. تضعیف نمادین نظام مردسالاری، حضور بیشتر بانوان و البته کاهش توجه به بحث حریمیت اتاق‌ها از جمله اثرات این شیوه معماری بر سبک زندگی ساکنان می‌باشد (معتق‌دی و همکاران، ۱۴۰۰، ۸۷). همچنین شکل و محصوریت متفاوت حیاط خانه سنتی در مقایسه با حیاط خانه مدرن، باعث می‌شود که برخی از فعالیت‌هایی که به راحتی در خانه‌های سنتی امکان‌پذیر بودند، مانند: نگهداری دام و طیور، کارگاه قالی‌بافی و سایر صنایع دستی، خشک کردن میوه و غیره در خانه‌های مدرن به راحتی امکان‌پذیر نباشد. این امر خود بر سبک زندگی ساکنان به خصوص در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی، رفتار روزمره ساکنان به خصوص زنان و کودکان و مصرف‌گرایی اثرگذار است. در واقع خانه سنتی خود یک اجتماع خودکفا بود (کریمی، ۱۴۰۰/۲۰۱۳، ۱۷۹). زنان که در سبک زندگی سنتی درون خانه، تولیدکننده بودند به مصرف‌کننده صرف تبدیل می‌شوند و متناسب با سبک زندگی مدرن، خانوارها نیز به واحدهای مصرف‌کننده نوپا برای محصولات دنیای مدرن تبدیل می‌شوند.

تصویر ۳: تفکیک فضاهای حیاط، خدمات و فضاهای اصلی در خانه‌های نیکدل، شربت اوغلی، امیر پروین، شهریار (یافته‌های پژوهش)



و اختصاصی مانند اتاق غذاخوری و نشیمن در خانه‌های ایرانی به کندی صورت پذیرفت (کریمی، ۱۳۰۱/۱۴۰۰، ۱۷۸). این تغییرات سبب شد تا خانواده‌ها در خانه‌هایی با مترائ مشابه خانه‌های قاجاری، از کیفیت و ساختار فضایی مسکن خود احساس رضایت نکنند؛ در حالی که یک خانواده ثروتمند در اواخر دوره قاجار در همان مترائ، زندگی مجلی داشت. از این دوره به بعد، شکل‌گیری فضاهای نه بر اساس نیازهای ساکنان، بلکه بر اساس امکانات مالی آن‌ها صورت می‌گرفت.

تصویر ۴: تصویری از تغییر مبلمان در یک خانه ایرانی (کریمی، ۱۳۰۱/۱۴۰۰، ۱۰۶)



تصویر ۵: آشپزخانه موجود در خانه شهریار، تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی و سبک زندگی مدرن (یافته‌های پژوهش)



مبلمان و منطف بودن فضاها

همان گونه که در جدول ۵ مشهود است، خانه‌های دوره قاجار از نظر تعداد اتاق بر نمونه‌های دوره پهلوی برتری دارند. ویژگی بارز این اتاق‌ها، کاربرد چندمنظوره و انعطاف‌پذیری عملکردی آن‌ها بود که امکان انجام فعالیت‌های متنوعی را در هر فضا فراهم می‌ساخت. این خانه‌ها عموماً دارای یک اتاق اصلی در بخش بیرونی بودند که جهت پذیرایی از مهمانان مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این فضا، نشستن بر روی زمین (فرش یا متکا) مرسوم بود و هنگام صرف غذا، سفره‌ای بر روی فرش گسترانیده می‌شد. در صورت اقامت شبانه مهمانان، همان اتاق به عنوان فضای خواب مورد استفاده قرار گرفته و رختخواب در آن پهن می‌شد (مهدوی، ۱۳۹۲، ۱۲۰). اتاق‌های بخش اندرونی خانه نیز از همین انعطاف‌پذیری عملکردی برخوردار بودند و کارکرد آن‌ها در ساعات مختلف شبانه‌روز تغییر می‌یافت (کریمی، ۱۳۰۱/۱۴۰۰، ۷۲). این ویژگی‌ها موجب شده بود تا اسباب و اثاثیه خانه‌های ایرانی، صرف‌نظر از طبقه اجتماعی ساکنان، بسیار محدود و مختصر باشد. با توجه به عدم استفاده از میز در مبلمان داخلی، اشیایی نظیر شمع‌دان‌ها، پارچ و لیوان، ظروف میوه و سایر وسایل تزئینی بر روی طاقچه‌ها قرار می‌گرفت. در اتاق‌ها به جز یک یا چند صندوق که زنان زیورآلات قیمتی و ظروف را در آن نگهداری می‌کردند، چیز دیگری نبود. مجموعه‌ای از چند پشته، لحاف و تشک که در طول روز تا شده و در گوشه‌ای قرار می‌گرفت و شب‌ها پهن می‌شد. هر گوشه از اندرونی دارای اتاقکی به نام صندوق خانه (پستو) بود که زنان البسه و لوازم شخصی خود را در آن نگهداری می‌کردند (مهدوی، ۱۳۹۲، ۱۲۱). این انعطاف‌پذیری فضایی امکان استفاده بیست و چهار ساعته از هر اتاق را فراهم می‌ساخت. اما با نفوذ تدریجی سبک زندگی مدرن، اهمیت فرش در خانه کاهش یافت و مبلمان جدیدی نظیر صندلی به فضای داخلی راه یافت (تصویر ۴). این تحولات، نشستن بر روی زمین را به تدریج منسوخ ساخت. اتاق‌هایی که با میز و صندلی میله شده بودند، به دلیل عدم قابلیت جمع‌شدن مانند سفره، انعطاف‌پذیری پیشین را از دست دادند و هر قطعه از مبلمان بخشی از فضای خانه را به طور دائمی اشغال می‌کرد. به عبارت دیگر، مبلمان فضاهای داخلی خانه ایرانی از حالت انعطاف‌پذیر به وضعیتی صلب و تغییرناپذیر تبدیل شدند (جانی‌پور، ۱۳۷۹، ۴۲). با این وجود پذیرش فضاهای تک‌عملکردی

فضاهای خدماتی

در دوره پهلوی، توجه معماران به نیازهای زندگی خصوصی و عمومی با تأکید بر اصول بهداشتی و پزشکی معطوف گشت. از جمله تحولات شایان توجه در این زمینه، ادغام فضاهای بهداشتی مانند حمام و توالت در داخل بنا و همچنین طراحی هدفمند آشپزخانه به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فضای مسکونی بود (کریمی، ۱۴۰۰/۲۰۱۳، ۱۳۱). در مقابل، در دوره قاجار و پیش از آن، حمام به صورت عمومی و خارج از ساختمان اصلی قرار داشت و توالت در فضایی کم نور و فاقد امکانات اولیه در گوشه‌ای از حیاط واقع می‌شد. حتی آشپزخانه نیز عموماً به عنوان فضایی مجزا از بدنه اصلی ساختمان و در محوطه حیاط تعبیه می‌گردید. فقدان سیستم فاضلاب پیشرفته موجب شده بود که اکثر خانه‌ها تنها به یک چاهک فاضلاب و مستراح بسنده کنند (کریمی، ۱۴۰۰/۲۰۱۳، ۹۴). با پیشرفت‌های تکنولوژیکی در حوزه تأسیسات ساختمانی، به ویژه گسترش سیستم‌های لوله‌کشی، امکان تجهیز خانه‌ها به توالت، سینک و دوش فراهم آمد. این تحولات، نیاز به استفاده از مستراح و حمام‌های عمومی را مرتفع ساخته و سطح جدیدی از رفاه و بهداشت را برای ساکنان به ارمغان آورد که به نوبه خود موجب دگرگونی در الگوی چیدمان و طراحی این فضاها گردید (تصویر ۵). همزمان، سیستم‌های گرمایشی نیز دستخوش تحولی چشمگیر شدند. روش‌های سنتی مانند اجاق‌های هیزمی، کرسی و شومینه به تدریج جای خود را به سیستم‌های گرمایش مرکزی با کارایی بالاتر دادند که عمدتاً از زغال‌سنگ یا گاز به عنوان سوخت استفاده کرده و امکان توزیع

یکنواخت گرما در تمامی فضاهای خانه را فراهم می‌کردند. یکی دیگر از نوآوری‌های تحول‌آفرین، معرفی و گسترش برق بود. با ورود روشنایی الکتریکی، لامپ‌های نفتی و چراغ‌های شمع به تدریج کنار گذاشته شدند. این تحول نه تنها کیفیت روشنایی فضاهای داخلی را ارتقاء بخشید، بلکه زمینه را برای به کارگیری انواع سیستم‌های نورپردازی تزئینی و پیچیده فراهم کرد و به معماران امکان داد تا با طراحی دقیق‌تر نور، ابعاد جدیدی از زیبایی‌شناسی را در فضاهای مسکونی خلق نمایند.

نتیجه‌گیری

آغاز ورود سبک زندگی غربی به ایران در دوره قاجاریه شروع شد و تغییراتی در شرایط جامعه و به تبع آن در معماری پدیدار گشت. با این حال تا اواخر دوره قاجار سبک زندگی و معماری غالب، همچنان بر اساس شاخص‌های سبک زندگی سنتی ادامه یافت و می‌توان این گونه بیان کرد که کیفیت در اکثر خانه‌ها تقریباً مشابه بود؛ تا اینکه در اواخر این دوره و دوره پهلوی سبک زندگی دچار تغییرات اساسی شد؛ معماری سنتی مورد نقد قرار گرفت و تداوم معماری سنتی - اسلامی ایران برای اولین بار شکسته شد. مهم‌ترین شاخص‌های سبک زندگی که تغییرات بنیادینی در آن‌ها مشاهده شد، عبارتند از: تغییر سبک زندگی از روستا نشینی به شهرنشینی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی در زمینه‌های مختلف، ورود مشاغل جدید و طبقه اجتماعی متوسط، تغییرات فرهنگی و خصوصاً تغییر در ساختار خانواده. این تغییرات گسترده در سبک زندگی، بر معماری مسکن نیز اثر گذاشت و باعث به وجود آمدن تغییراتی در خانه‌های دوره پهلوی نسبت به

جدول ۷. شاخص‌های سبک زندگی تغییر کرده و تأثیر آن بر کیفیت فضاها (یافته‌های پژوهش)

مؤلفه	ریز مؤلفه	قاجار	تأثیر بر کیفیت فضاها	پهلوی	تأثیر بر کیفیت فضاها
تغییر ساختار خانواده	زندگی خانوادگی	گسترده	اهمیت حریم خصوصی، دسترسی سخت، تعداد ورودی بیش از یک عدد، تعداد اتاق زیاد، خانه‌های چندحیاطه	هسته‌ای	حریم خصوصی متناسب، دسترسی آسان‌تر، تعداد ورودی کم‌تر. کاهش تعداد اتاق‌ها، خانه‌های تک‌حیاطه
	نقش و جایگاه بانوان	تفکیک	وجود فضای با حریم خصوصی، درونگرایی، خانه‌های چندحیاطه	ادغام	حذف اندرونی و کاهش درونگرایی، تک‌حیاطه
شهرنشینی	قیمت و مساحت زمین	شهرنشینی کم‌تر	افزایش مساحت خانه	شهرنشینی و تراکم بیشتر	کاهش متراژ کلی خانه‌ها
	مراکز فعالیت اقتصادی	سنتی	حیاط‌های چندگانه و بزرگ برای فعالیت‌های معیشتی مانند پخت و پز و...	مدرن	کاهش نیاز به فضاهای بزرگ در خانه صنعتی شدن فعالیت‌ها (مانند پخت نان)
	جاده، حمل و نقل	کم و سنتی	شهر کوچک‌تر، خانه‌ها داخل کوچه و دربند بن‌بست	جاده‌ها زیاد و اتوموبیل	بزرگ شدن شهر، اهمیت پارکینگ و نزدیکی به معابر
	پویایی اجتماعی	درون خانه	بسیاری از تعاملات اجتماعی در هشتی، حیاط و داخل خانه اتفاق می‌افتاد.	بیرون خانه	ظهور پارک‌ها، کافه‌ها و... تعاملات اجتماعی را به بیرون از خانه برد.
پیشرفت تکنولوژی	استفاده از تکنولوژی	کم	طراحی سنتی، محدودیت نورگیری، اهمیت زیاد حیاط و ایوان، فرم ساختمان مستطیل	پیشرفته	مصالح مدرن، بهبود نورگیری، کاهش اهمیت حیاط و ایوان، فرم مربع
	سازه	قدیمی	نیاز به فضای بزرگ‌تر	جدید	قابل استفاده در مساحت کوچک‌تر
	مبلمان و وسایل	مبلمان کم و قدیمی	انعطاف و چند عملکردی بودن	مبلمان جدید	فضاهای تک‌عملکردی.
ساختار فرهنگی	فرهنگ و اجتماع	سنتی و دینی	تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی، دسترسی محدود، توجه به جهت قبله	مدرن و سکولار	تعاملات بیشتر، فضاهای عمومی و مشترک، بی‌تفاوتی به قبله
	فعالیت‌های خانوادگی	زیاد	فضاهای اجتماعی مثل حیاط، ایوان و...	کم	اتاق‌های خصوصی و شخصی
	مراسم مذهبی	اهمیت زیاد	فضاهای جداگانه، جداسازی فضاها	کاهش اهمیت	فضاهای بازتر و متصل‌تر

داخلی فضاها گردید و امکان نصب توالت، سینک و دوش در خانه‌ها را فراهم کرد. این امر نیاز به مستراح و حمام‌های عمومی در فضای باز را از بین برد. در خانه‌های قاجاری که امکانات پیشرفته تکنولوژیکی در آن کم‌تر بود، اهمیت زیاد حیاط و ایوان از اهمیت بیشتری برخوردار بود و بسیاری از فعالیت‌ها در فضای باز و نیمه‌باز صورت می‌گرفت؛ چرا که محدودیت نورگیری و نبود وسایل برقی معماران را به سوی فرم‌های ساختمانی کشیده و مستطیل و استفاده از نور و تهویه طبیعی سوق می‌داد. اما در دوره پهلوی استفاده از مصالح مدرن و وسایل سرمایشی، گرمایشی و روشنایی جدید منجر به بهبود نورگیری، کاهش اهمیت حیاط و ایوان و گرایش به فرم ساختمان مربع گردید. همچنین فضاهای منعطف موجود در خانه‌های قاجاری، با توجه به مبلمان بزرگ و صلب (مانند تخت و مبل) که در سبک زندگی جدید مورد استفاده قرار می‌گرفت، به فضاهای تک‌عملکردی تبدیل گردید. تمامی این تغییرات و تأثیر آن بر کیفیت فضاها در دو دوره قاجار و پهلوی در جدول ۷ آورده شده است.

دوره‌های قبلی گردید که پیامدهای آن به صورت خلاصه در جدول زیر آورده شده است. بررسی نمونه‌های موردی نشان می‌دهد معمار در خانه‌های قاجاری با توجه به اصل حریم اقدام به طراحی می‌کند و حریمیت را با خلق سلسله مراتب ورودی و براساس ایجاد حرمت برای ساکنین و واردین ایجاد می‌نماید. ویژگی تفکیک بیرونی و اندرونی و همچنین انحراف دید در ورودی را برای ایجاد مفهوم حریم و حریمیت در این خانه به وضوح دیده می‌شود. خانه‌های قاجاری که متناسب با سبک زندگی خانوادگی گسترده ساخته می‌شدند بر حفظ حریم خصوصی بالا، دسترسی پیچیده، تعداد ورودی بیش از یک عدد، تعداد اتاق زیاد و چند حیاط مجزا تأکید داشتند؛ در حالی که در خانه‌های پهلوی متناسب با سبک زندگی خانوادگی هسته‌ای تأکید بیشتر بر دسترسی آسان‌تر، تعداد ورودی کم‌تر، کاهش تعداد اتاق‌ها، خانه‌های تک‌حیاطه و حفظ حریم خصوصی کم‌تر بود. متراژ کوچک‌تر خانه‌ها، کوچک‌تر شدن فضای حیاط و حذف ایوان‌ها از آثار گسترش شهرنشینی بر معماری خانه است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی از جمله سیستم‌های لوله‌کشی و برق، منجر به تغییراتی در چیدمان و طراحی

فهرست منابع

- Abrahamian, Yerevan. (1998). *Iran Between Two Revolutions: An Introduction to the Political Sociology of Contemporary Iran* [Iran beyn-e do enqelab: daramad-i bar jame'e-shenasi-ye siyasi-ye Iran-e mo'aser] (Ahmad golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Trans.). Ney Publishing House. (Original work published 1982) (in Persian)
- Anabastani, Ali Akbar. et al. (2018). Studying the Influence of Rural Housing Patterns on the Lifestyle of Villagers in Neka [Barresi-ye ta'sirpaziri-ye olgu-ye maskan-e roustayi az sabk-e zendegi-ye roustaiyan dar shahrestan-e Neka]. *Geographical Spatial Planning*, 8(27), 51-35. https://gps.gu.ac.ir/article_65968.html (in Persian)
- Arvi, Peter. et al. (1992). *The Pahlavi Dynasty and Religious Forces in Cambridge* [Selseh-ye Pahlavi va niroo-haye mazhabi be revayat-e Cambridge] (Abbas Mokhbar, Trans.). New Design. (Original work published 1991) (in Persian)
- Bani Masoud, Amir. (2009). *Contemporary Iranian Architecture (In the Struggle of Tradition and Modernity)* [Me'mari-ye Mo'aser-e Iran (dar takapoo-ye sonnat va moderniteh)]. Art and Architecture of the Century. (in Persian)
- Beheshti, Seyed Mohammad. (2016). Technical Note: House from the Beginning of the First Pahlavi Dynasty to the Forties of the Solar System [Yaddasht-e fanni: Khaneh az aghaz-e Pahlavi-ye avval ta daheh-ye chehel-e shamsi]. *Iranian Architectural Studies*, 5(10), 229-243. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111777.html (in Persian)
- Bell, David. And Hollows, Joanne. (2005). *Ordinary lifestyles*. US. McGrawhill.
- Chaney, D. (1996). *Lifestyle*. Routledge.
- Cockerham WC. (2007). *New Direction in Health Lifestyle Research*. Int J Public Health, 52 (6), 327-328.
- Giddens, A. (1995). *Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press.
- Habibi, Mohsen. (2003). *From the Stream to the City* [Az Shar ta Shahr]. University of Tehran. (in Persian)
- Habibi, Mohsen. et al. (2009). *From the Collapse of the Ramparts to the Idea of Highways* [Az foru rikhtan-e barouha ta andisheh-ye shah-
raha]. *Soffe*, 20(50), 85-102. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100386.html (in Persian)
- Jafari, Morteza. et al. (2002). *The Hijab Incident* [Vaqe'e-ye hejab]. Islamic Revolution Cultural Documents Organization. (in Persian)
- Janipour, Behrouz. (2000). *The Evolution of Tehran's Residential Architecture during the Pahlavi Era* [Seir-e tahavvol-e me'mari-ye maskan-e Tehran dar douraan-e Pahlavi] [PhD thesis, University of Tehran]. Tehran. <https://noordoc.ir/thesis/23547> (in Persian)
- Kalantari, Abdolhossein. and Bakhshizadeh, Hassan. (2019). Social changes in Tehran during the first Pahlavi period [Taghirat-e ejtema'i-ye shahr-e Tehran dar doreh-ye Pahlavi-ye avval]. *Local Development (Rural-Urban)*, 11(2), 436-409. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76754> (in Persian)
- Karimi, Pamela. (1997). *Home life and consumer culture in Iran* [Zendegi-ye khaneghi va farhang-e masrafi dar Iran] (Zahra Taheri, Trans.). Shirazeh Kitab Ma. (Original publication 2013) (in Persian)
- Katouzian, Mohammad Ali Homayoun. (1995). *Iran's political economy from constitutionalism to the end of the Pahlavi dynasty* [Eghtesad-e siyasi-ye Iran az Mashrutiyat ta payan-e selseh-ye Pahlavi] (Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, Trans.). Markaz Publishing. (Original publication 1981) (in Persian)
- Kaviani-Arani, Mohammad. (2009). *Designing a lifestyle theory based on the Islamic perspective and constructing an Islamic lifestyle test and examining its psychometric properties* [Tarh-e nazariyeh-ye sabk-e zendegi bar asase didgah-e Eslam va sakht-e azmoon-e sabk-e zendegi-ye Eslami va barresi-ye vizhegiyeh-ye ravansanji-ye aan] [PhD thesis, University of Isfahan]. Isfahan. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/f7b8f2a4ec749708e1e6993181d87103> (in Persian)
- Khakrand, Shokrollah. and Sabourimand, Fahimeh. (2014). The Role of Radio in the Pahlavi Period [Naghsh-e radio dar doreh-ye Pahlavi]. *Parseh Quarterly*, 14(22), 23-35. <http://noo.rs/mXr0H> (in Persian)
- Kiani, Mostafa. (2004). *Architecture of the First Pahlavi Period: Transformation of Ideas, Origin and Formation of Architecture in the Twenty-Year Period of Contemporary Iran* [Me'mari-ye doreh-ye Pahlavi-ye avval: degargooni-ye andisheha, peydayesh va shekl-giri-ye me'mari-ye doreh-ye bist saleh-ye mo'aser-e Iran]. Contemporary

- History of Iran. (in Persian)
- Mahdavi, Shirin. (2013). A Look at the Daily Life of Iranian People in the Late Qajar Era [Negahi be zendegi-ye roozmarreh-ye mardom-e Iran dar avakher-e asr-e Qajar] (Hossein Ahmadzadeh Nodijeh, Trans.). *Payam Baharestan*, 5(19), 114-132. <http://noo.rs/dx8Az> (in Persian)
- Motaghedi, Fatemeh. et al. (2001). The Effect of Physical Differences between Traditional Houses and Corporate Houses in Abadan on the Lifestyle of Residents [Ta'sir-e tafavot-haye kalbadi-ye khaneh-ye sonnati va khaneh-ye sherakati-ye Abadan bar sabk-e zendegi-ye sakenan]. *City Identity*, 15(48), 79-92. <https://doi.org/10.30495/hovi-atshahr.2021.16584> (in Persian)
- Nari Ghomi, Masoud. and Abbaszadeh, Mohammad Javad. (2013). Guest at Home: A Comparative Study between Iran and the West on the Threshold of the Modern Era [Mehman dar khaneh: yek barresi-ye tatbighi-ye miyan-e Iran va gharb dar astaneh-ye douraan-e modern]. *Islamic Architecture Research*, 1(3), 108-93. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-157-fa.html> (in Persian)
- Richman, Joseph. (2001). Humor and Creative Life Styles. *American Journal of Psychology*, 55(3), 420-428. <https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.2001.55.3.420>
- Rokeach, Milton. (1973). *The Nature of Human Values*. Free Press.
- Safari, Soheila. et al. (2014). People's protests against urban renewal in the first Pahlavi period (A study of the documents of the petitions of the National Consultative Assembly - the sixth to the eighth parliaments) [E'terazat-e mardom be nosazi-ye shahri dar dore-ye Pahlavi-ye avval (motale'e-ye asnad-e ara'iz-e Majles-e Shoraye Melli - Majles-e sheshom ta hashtom)]. *Social History Research*, 4(1), 60-29. <http://noo.rs/MYQgP> (in Persian)
- Schultz, K. N. (2005). *The Concept of Dwelling Towards Allegorical Architecture* [Mafhum-e sekonat be su-ye memari-ye tamthili] (Mahmoud Yarahmadi, Trans.). Agah. (Original publication 1984) (in Persian)
- Shasti, Shima. and Flamaki, Mohammad Mansour. (2014). The Relationship Between Iranian Lifestyle and Housing (With Emphasis on the Theory of Short-Term Society and the Theory of Strategy and Territorial Policy of Iranian Society) [Ba ta'kid bar nazariye-ye jame'e-ye kutah moddat va nazariye-ye rahbord va siyaset-e sarzamin-ye jame'e-ye Iran]. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 6(3), 117-137. <https://doi.org/10.7508/isih.2014.23.005> (in Persian)
- Wentlig, James. (2013). *Housing Design Based on Lifestyle*. (Habib Ghassemi, translator). Kasra Library. (Original work published 1990) (in Persian)
- Wilska, T. and Pedrozo, S. (2007). New Technology and Young Peoples consumer indentities: A Comparative study Between Finland and Brazil. *Young*, 15(4); 343 - 368. <https://doi.org/10.1177/110330880701500402>
- آبراهامیان، پروانه (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر* (احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، مترجم). نشر نی. (چاپ اثر اصلی ۱۹۸۲)
- آروی، پیترو و همکاران (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج*. (عباس مخبر، مترجم). طرح نو. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۱)
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸). *معماری معاصر ایران (در تکیه بر سنت و مدرنیته)*. هنر و معماری قرن.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۵). یادداشت فنی: خانه از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمسی. *مطالعات معماری ایران*، ۵(۱۰)، ۳۲۹-۳۴۳. <https://jias.kashanu.ac.ir/article-111777.html>
- جانی‌پور، بهروز (۱۳۷۹). *سیر تحول معماری مسکن تهران در دوران پهلوی* [رساله دکتری، دانشگاه تهران]. تهران. <https://noordoc.ir/thesis/23547>
- جعفری، مرتضی و همکاران (۱۳۷۱). *واقعۀ حجاب: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی*. محسن (۱۳۸۲). *از شار تا شهر: دانشگاه تهران*.
- حبیبی، محسن و همکاران (۱۳۸۹). *از فروریختن باروها تا اندیشه‌ی شاهراه: صفه، خاگرد، شکرالله و صبوری‌مند، فهیمه* (۱۳۹۳). *نقش رادیو در دوره پهلوی*. فصلنامه پارسه، ۱۴(۲)، ۳۵-۲۳. <http://noo.rs/mXr0H>
- شعشی، شیمو و فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۳). *رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تأکید بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران)*. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۷. <https://doi.org/10.7508/isih.2014.23.005>
- شولتز، ک. ن. (۱۳۸۴). *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*. (محمود یاراحمدی، مترجم). آگه. (چاپ اثر اصلی ۱۹۸۴)
- صفری، سهیلا و همکاران (۱۳۹۳). *اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول (مطالعه اسناد عرایض مجلس شورای ملی - مجلس ششم تا هشتم)*. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۴(۱)، ۶۰-۲۹. <http://noo.rs/MYQgP>
- عنابستانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۹۷). *بررسی تأثیرپذیری الگوی مسکن روستایی از سبک زندگی روستاییان در شهرستان نکا: آمایش جغرافیایی فضا*، ۸(۲۷)، ۵۱-۳۵. https://gps.gu.ac.ir/article_65968.html
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجم). نشر مرکز. (چاپ اثر اصلی ۱۹۸۱)
- کاویانی ارانی، محمد (۱۳۸۸). *طرح نظریه سبک زندگی بر اساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن* [رساله دکتری، دانشگاه اصفهان]. اصفهان. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/f7b8f2a4ec749708e1e6993181d87103>
- کریمی، پاملا (۱۴۰۰). *زندگی خانگی و فرهنگ مصرفی در ایران (زهره طاهری، مترجم)*. شیرازه کتاب‌ما. (چاپ اثر اصلی ۲۰۱۳)
- کلانتری، عبدالحسین و بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۸). *تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول*. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، ۴۳۶-۴۰۹. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76754>
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران*. تاریخ معاصر ایران.
- معتقدی، فاطمه و همکاران (۱۴۰۰). *تأثیر تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی و خانه شرکی آبادان بر سبک زندگی ساکنان*. هویت شهر، ۱۵(۴۸)، ۹۲-۷۹. <https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2021.16584>
- مهدوی، شیرین (۱۳۹۲). *نگاهی به زندگی روزمره مردم ایران در اواخر عصر قاجار* (حسین احمدزاده نودیجه، مترجم). پیام بهارستان، ۵(۱۹)، ۱۳۲-۱۱۴. <http://noo.rs/dx8Az>
- ناری قمی، مسعود و عباس‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۳). *مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن*. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۳)، ۱۰۸-۹۳. <https://jria.iust.ac.ir/article-1-157-fa.html>
- ونتلیگ، جیمز (۱۳۹۲). *طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی*. (حبیب قاسمی، مترجم). کتابکده کسری. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۰)